



مطالعه استراتژیک مدیریت دانش پیشگیری از جرم در بستر

امنیت اجتماعی

نویسنده اول: محسن پناهی

آدرس پست الکترونیک: Moheesn.Panahi5757@gmail.com

چکیده

امنیت اجتماعی حلقه واسط بین امنیت فردی و امنیت ملی است، این نوع امنیت از حیث ضرورت حیات اجتماعی برای بقای هر جامعه‌ای لازم است. در کنار امنیت، جرائم یکی از مباحثی مهمی است که در هر جامعه‌ای نمایان است. بخش قابل توجهی از جامعه‌شناسان بر این باورند که جرایم، در نهایت با گسترش و بدل شدن به مسائل اجتماعی سد راه توسعه جامعه بشری هستند و کیفیت زندگی بشری را با دشواری روبرو می‌سازند. پیشگیری از جرم و مدیریت دانش پیشگیری از جرائم در راستای این امر مطرح‌اند. پیشگیری مجموعه اقدامها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود. هدف از این تحقیق مطالعه استراتژیک مدیریت دانش پیشگیری از جرم در بستر امنیت اجتماعی می‌باشد برای این امر از روش توصیفی تحلیلی در راستای دستیابی به اهداف استفاده شده است. می‌توان گفت که با کنترل و پیشگیری از جرائم و بکارگیری استراتژی‌های پیشگیری از جرم به امنیت اجتماعی که ضرورت جامعه است دست یافت.

کلید واژه: استراتژیک، مدیریت دانش، پیشگیری از جرم و امنیت اجتماعی



مقدمه:

امروزه جرم و ترس از جرم در تمام جوامع به یک نگرانی فراگیر تبدیل شده است. سیاست هایی رایج عدالت کیفری که با تدابیر سرکوب گر، واکنشی و تنبهی به دنبال مبارزه با جرم هستند نیز موفقیت های کمی داشته است. بحران هایی که نظام عدالت کیفری امروزه با آن ها مواجه است، حاکی از غیر اثر بخش بودن این تدابیر در حوزه کنترول و مبارزه با جرم است (گروه پژوهشی حقوق، 1391). به طور کل، بخش قابل توجهی از جامعه شناسان بر این باورند که جرایم، در نهایت با گسترش و بدل شدن به مسائل اجتماعی سد راه توسعه جامعه بشری هستند و کیفیت زندگی بشری را با دشواری روبرو می سازند. در این میان پیشگیری ضرورتی غیرقابل انکار است و منطقی این است که به جای اینکه منتظر بمانیم تا فردی مرتکب جرم شده و سپس طی فرایندهای پیچیده دادرسی وی را محاکمه و مجازات نماییم، بهتر است از وقوع جرم پیشگیری نماییم. در این راستا مدیریت دانش پیشگیری از جرم نقش مهمی در این راستا ایفا می کند. پیشگیری از جرم در ایران هیچگاه بصورت نظام مند و ساختاری مدیریت نشده است. بطوریکه در سیاست جنایی ایران پارادوکسی در این زمینه وجود دارد زیرا از یک طرف قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم را برعهده قوه قضائیه نهاده است و از طرف دیگر پیشگیری از جرم مستلزم سازوکارها و نهادهایی است که عملاً در قوه مجریه قرار دارند (گروه پژوهش حقوق، 1391).

نقش امنیت در هر سطحی و با هرگونه بعدی در بسترسازی توسعه جوامع انسانی، فراهم آوردن فضای فکری، مدیریت زندگی اجتماعی، مشارکت در روابط اجتماعی و بالاخره زمینه سازی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر را برای شهروندان هر جامعه ای فراهم می کند (نوید نیا، 1382: 16). امنیت به معنای اجرای دقیق، منظم و صحیح قوانین حقوقی و حتی اخلاقی، حاصل کارکرد ساختار عظیم اجتماعی است که از فرهنگ عمومی و سیاست های حکومتی تأثیر می پذیرد (اسماعیل زاده، 1387). استمرار وجوه امنیت اجتماعی می توان امنیت جامعه و نهادهای اجتماعی را تضمین و تأمین نماید. امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می توان جزء امنیت عمومی نیز تلقی نمود، که حوزه های امنیت فردی، امنیت جمعی و گروهی را می تواند تحت پوشش قرار دهد. ویور «امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی های بنیادی خود، در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطر نشان می کند که جامعه، امنیت هویتی اش را طلب می کند» (نوید نیا، 1382: 16).



پیشگیری از جرم:

پیشگیری مجموعه اقدامها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می شود. در این تعریف اقدام پیشگیرانه اقدام غیرقهرآمیزی است که بر عوامل جرم جزا اعمال می شود. در واقع پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا علت شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد (میرزاخانی و درویشی، 1393: 67).

در واقع پیشگیری در یک معنای عام عبارت است از تمامی اقداماتی که از وقوع بزه جلوگیری میکند. به عقیده شرمین هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، می توان پیشگیرانه قلمداد شود (نجفی ابرندآبادی، 1387: 1228). بر مبنای این تعریف شرمین، عده ای پیشگیری را پیشگیری کیفی (پیشگیری از طریق اعمال مجازات ها) و پیشگیری غیرکیفی دانسته اند. عده ای دیگر از جرم شناسان (نظیر گین) با نقد سرکوبی و غیرچیشگیرانه دانستن آن، پیشگیری را به معنایی خاص تعریف می کنند: مجموعه اقدامات غیرکیفی که هدف غایی آن منحصراً به صورت جزئی محدود کردن دامنه ارتکاب جرم و غیر ممکن، دشوار و کم کردن احتمال وقوع جرم باشد. در همین راستا، یک محقق کانادایی در سال 1998 تعریف پیشگیری را دارای سه مولفه زیر دانست:

- هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر یکی از عوامل فرایند کیفری است؛
- بعد جمعی دارد (پیشگیری در یک محله خاص یا...)
- شامل اقدام پیشگیرانه غیرقهرآمیز و غیرکیفری است (گزارش پژوهشی دفتر تحقیقات انتظامی، 1389).

مدیریت پیشگیری از جرم: معنا و مفهوم و رویکردها

واژه ی مدیر و مدیریت هر دو عربی هستند در اصطلاح نیز تعاریف بسیار زیادی از مدیریت در شناساندن این مفهوم وجود دارد. برخی مدیریت را فرآیند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول می دانند. همچنین می توان گفت که مدیریت عبارت است از علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی برای نیل به هدف های مطلوب با حداکثر کارایی. از این رو می توان گفت اصول مدیریت به پنج اصل قابل تقسیم است: 1. برنامه ریزی؛ 2. سازماندهی؛ 3. بسیج امکانات و منابع؛ 4. هدایت و سرپرستی و 5. نظارت و کنترل.

اصولاً مدیریت پیشگیری از جرائم، دانشی علمی کاربردی است که هدف آن تنظیم و تدوین سیاست ها و خط مشی های علمی در رابطه با پیشگیری و کاهش جرائم از طریق مشاهدات، مراقبت ها و تجزیه و تحلیل سیستماتیک جرائم است. این پروسه از آغاز تا پایان دارای مراحل مختلفی است که از آن تحت عنوان چرخه ی مدیریت پیشگیری از جرم، یاد شده که شامل پیش بینی، آمادگی، پیشگیری، واکنش، واکنش، پاکسازی،



بازسازی و کنترل است. در رابطه با مدیریت پیشگیری از جرم باید اقدامات عدیده ای در زمینه های مختلف و از جنبه های گوناگون توسط تمامی دستگاههای ذیربط و در چارچوب وظایف محوله مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد تا به هنگام عمل در اجرای طرح ها و برنامه ها خللی ایجاد نشود. در تعریف نسبتاً جامع از مدیریت دانش پیشگیری از جرم می توان گفت «مدیریت دانش یک روند نظام مند و خاص سازمانی جهت کسب، سازماندهی و تبادل اطلاعات کارکنان است. به نحوی که سایر کارکنان نیز بتوانند به منظور موثر و خلاق تر بودن در حوزه کاری خود، از آن استفاده کنند» (افراسیابی و خالقی، 1393: 155)

پیشگیری زندگی در جوامع امروزی و تنوع نیازهای حیاتی مردم سبب آن شده تا با وجود تمام تلاش های به عمل آمده گاهی در پروسه چرخه مدیریت جرائم، برخی از موضوعات و مسائل جنبی آنها از نظر پنهان و معقول مانده و بنابراین در حین عمل، مجریان را با مانع اساسی مواجه سازند. از این رو با توجه به معنا و مفهوم مجرد مدیریت که خاستگاه اولیه آن علوم اداری است، می توان گفت که مدیریت پیشگیری از جرم، به فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی توأم با برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج امکانات، هدایت و نظارت برای کنترل و مهار بزه کاری قبل از وقوع جرم قابل اطلاق است (رحمت، 1390).

رویکردهای موجود در حوزه پیشگیری از جرم سه رویکرد مکانیکی، اصلاحی و تنبیهی خارج نیستند. رویکردهای مکانیکی، تحلیل مکانیکی، وضعیت محور و فرصت مداراته از ارتکاب جرم دارند. در این رویکرد ارتکاب جرم معلول یک «فرصت» است. این رویکردها، تحلیلی مکانیکی از وقوع جرم نیز ارائه می دهند. در این رویکرد مجرم فردی عقلانی تلقی می شود که حساب گر است و هنگامی دست به ارتکاب جرم می زند که سود حاصل از ارتکاب جرم از هزینه آن بیشتر باشد. این ایده، قبل از این هم در اندیشه های افرادی چون بنتام و هابز قابل مشاهده است. بنتام به اصل «حساب گرایی جزایی» معتقد بود و اعتقاد داشت با افزایش شدت مجازات می توان مجرم را از ارتکاب جرم بازداشت زیرا در معادله وی، هزینه ارتکاب جرم سنگین تر از سود ناشی از ارتکاب جرم خواهد شد. این رویکرد اعتقاد دارد که می توان با تغییر در شرایط و اوضاع و احوال در مسیر ارتکاب جرم از وقوع آن پیشگیری کرد؛ بنابراین باید خطر دستگیری، تلاش برای رسیدن به آماج و تلاش برای ارتکاب جرم را افزایش داده و در عین حال، سود حاصل از ارتکاب جرم را کم کرد. تحقیقات نشان می دهد که مجرم در هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات توجه دارند.

رویکرد دوم رویکرد اصلاحی است که سعی دارد تا با حذف علل ریشه ای و اجتماعی جرم، از وقوع جرم پیشگیری نماید. رویکرد اصلاحی شامل رویکرد پیشگیری اجتماعی (که خود به دو شاخه رویکرد رشد مدار و جامعه مدار تقسیم می شود) و پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث است. راهبردهای پیشگیری های اجتماعی، راهبردهایی طولانی مدت بوده که به دنبال مبارزه با علل ریشه ای جرم، از قبیل تبعیض، فقر، بیکاری، ناکارآمدی اقتصادی، نقض در سیستم رفاه اجتماعی و سایر عوامل اجتماعی دارند.

آخرین رویکرد رویکرد تنبیهی است؛ رویکردی که سعی دارد تا از طریق مجازات و بازدارندگی ناشی از آن به پیشگیری از جرم بپردازد (شیری، 1386).



جدول 1- رویکردهای پیشگری از جرم

صاحبنظران	راهبرد و استراتژیک	رویکرد
بنتام و هابز	تحلیل مکانیکی از وقوع جرم	رویکرد مکانیکی
-	حذف علل ریشه ای و اجتماعی جرم	رویکرد اصلاحی
-	مجازات و بازدارندگی	رویکرد تنبیهی

معنا و مفهوم امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی به معنای آرامش و آسودگی ای که جامعه برای اعضایش فراهم می‌نماید یکی از حقوق مسلم و ضروری مردم بر گردن حاکمان است. حاکمیت موظف است امنیت لازم را برای زندگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مردم فراهم نماید تا آنها بتوانند در سایه این امنیت زندگی سالم و انسانی و روبه پیشرفت داشته باشند (شایگان، 1389). امنیت اجتماعی برای اولین بار توسط «باری بوزان» مطرح شد. به عقیده بوزان امنیت بشری به پنج دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی. از نگاه بوزان امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت عرف ملی با شرایط قابل قبول از تحول مربوط است.

اولی ویور معتقد است که برداشت بوزان از امنیت اجتماعی، ناقص و سست بنیاد است و بوزان امنیت اجتماعی را در قبال امنیت ملی فدا کرده است. به عقیده ویور امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل مطرح نیست بلکه مفهوم همطراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است، چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی است. از سوی دیگر، بوزان به این نکته نیز اشاره دارد که الزاما و همیشه تامین امنیت توسط دولت موجب امنیت شهروندان نخواهد بود و در بسیاری مواقع بین منافع دولت و شهروندان تضاد پیش می‌آید (منظمی تبار، 1385، به نقل از بوزان، 2000).

از این دیدگاه امنیت اجتماعی به تامین امنیت گروه‌های اجتماعی بزرگ و مهم نظر دارد. گروه‌هایی که هستی اجتماعی انسان در قالب آنان شکل گرفته و سامان می‌یابد. از جمله این گروه‌ها، جامعه است، چرا که افراد به جامعه‌ای که در آن به دنیا آمده‌اند، احساس تعلق خاطر می‌کنند و آن را بخشی از وجود خویش می‌انگارند. پس بی‌جهت نیست که ویور بر هویت ملی و محافظت از آن تاکید دارد. یا بوزان امپریالیسم را موجب از بین رفتن تنوعات ملی و تهدیدی برای امنیت اجتماعی در نظر می‌آورد. همچنین مهاجرت را نیز که باعث جداافتادگی فرد از جامعه خویش و به تدریج فراموشی هویت جامعه خویش و دل‌سپردگی به جامعه مهاجرپذیر می‌شود، تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد کرده است.

پس امنیت اجتماعی به محافظت و پاسداری از احساس تعلقات و پیوندهای اجتماعی یا همان احساس «ما» نظر دارد که واحدهای اجتماعی را شکل می‌دهد. چنان که اگر پیوندها و تعلقات متقابل حفظ



شود، اساس «مایی» پابرجا مانده و اعضا در کنار یکدیگر باقی مانده و حیات اجتماعی حفظ می‌شود. از سوی دیگر، احساس پیوند و وابستگی داخل واحدهای اجتماعی و میان آنها زمانی دوام و قوام خود را حفظ می‌کند که افراد از فرصتهای لازم و متعارف برای رشد و ترقی بهره‌مند شوند و به منافع و ارزشهای مورد نظر خود نایل شوند. یعنی احساس تعلق نیازمند پشتوانه ذهنی و فکری است که با برخورداری از موقعیتهای معنوی و بالا بردن کیفیت تعلقات فراهم می‌شود (منظمی تبار، 1385).

رویکردهای نظری امنیت اجتماعی

از بعد مطالعات جامعه شناختی دو نوع رویکرد یا گفتمان در مورد امنیت اجتماعی وجود دارد. که به شرح زیر می باشد.

1-گفتمان سلبی¹

در این رویکرد یا گفتمان فقدان امنیت و یا نبود امنیت اجتماعی در جامعه باعث شده که پدیده ای به نام تهدید بوجود آید؛ راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است از این دیدگاه جنگ ادامه سیاست البته با ابزار و وسایلی دیگر به شمار می رود و به زمامداران توصیه می شود برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان، در تجهیز و تقویت ساز و برگ و توان جنگی شان کوشا باشند. این موج به اقتضای ماهیتش طیف متنوعی از صاحب نظران را در بر می گیرد که شاخص ها اصلی آن ها رویگردانی از محوریت عامل نظامی در تعریف و تحدید امنیت است. بر این اساس می توان این نوع امنیت را در جدول ذیل خلاصه کرد.

جدول 2- گفتمان سلبی

ابزار	نگرش	وجه امنیت	امنیت
قدرت و زور	عینی و بیرونی	نظامی، اقتصادی	نبود تهدید

با توجه به آنچه که گذشت، وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن در جدول فوق آمده است. « به عبارت دیگر بر وجه رهایی از خطر و تهدید به عنوان حوزه معنای امنیت تأکید شده است. پس امنیت را می توان توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات تعریف کرد. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است، یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند» (نویدنیا، 1388: 26-27). آنچه که بیان کرده ایم، این رویکرد بر فقدان تهدید، دلالت نظر دارد، به این معنا که گفتمان سلبی به مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و

¹. Negative Discourse



اطمینان خاطر معطوف شده است. در این رویکرد امنیت اجتماعی عبارت است از «ظرفیتی که تهدید از یک بازیگر بیرونی، نسبت به منافع حیاتی و همه بازیگر اصلی وجود نداشته باشد؛ بنابراین، تهدیدات در رویکرد سلبی دارای ویژگی های می باشند: 1- مقولاتی هستند که از ناحیه فضایی بیرون تولید می شوند. 2- دارای ماهیت سخت افزاری هستند. 3- از نظر چهره و گونه قابل تهدید نیستند و متناسب با شرایط و امکانات تحول می یابند. 4- در وضعیت تراکمی قرار دارند؛ یعنی چهره های جدید چهره های قدیم را از بین نمی برد.

2- گفتمان ایجابی^۲

در این رویکرد امنیت به نبود تهدید تعریف نمی شود، بلکه با وجود تهدید در سطح جامعه، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و درخواست های اجتماعی مد نظر قرار می گیرد. در این گفتمان «امنیت، توانایی و شرایط عینی را شامل می شود که در آن بستر می توان به منافع همگانی دست یافت. گفتنی است که مطابق این تفسیر، مفهوم امنیت نسبت به منافع عمومی نیز از اولویت برخوردار است، چرا که تحقق یا عدم تحقق منافع جمعی در گرو بود یا نبود امنیت است. بر این اساس جامعه ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی اش نداشته باشد، امنیت ندارد و ناامن گفته می شود. گفتمان ایجابی را باید گفتمانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی به شمار آورد که بیش از دو دهه از عمر آن نمی گذرد» (نویدینیا، 1388: 27). بر این اساس می توان این نوع امنیت را در جدول ذیل خلاصه کرد.

جدول 3- امنیت گفتمان ایجابی

ابزار	نگرش	وجه امنیت	امنیت
اطلاعات و بینش	ذهنی و درونی	اجتماعی - فرهنگی	کسب فرصت

با توجه به این نوع گفتمان های غالب در بحث امنیت، باید به این مبحث اشاره کنیم که امنیت اجتماعی در بستر جامعه نیازمند توانایی های نرم افزاری است، که بتوان با این توانمندی های نرم افزاری توان مقابله با انواع خطرات را داشت؛ در واقع در جامعه مدرن، هر چه استفاده از ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی از سوی نهادهای آموزشی و ارتباطات جمعی در اختیار شهروندان قرار گیرد و همچنین سازوکارهای درونی کردن و جامعه پذیری به عنوان مکانیسم های اصلی تحقق امنیت اجتماعی در بعد ایجابی بیشتر در جامعه ارتقاء داده شود، امنیت اجتماعی بیشتر بسترسازی خواهد شد (شربت، 1391).

².Positive Discourse



جدول 4- خلاصه گفتمان و مولفه های امنیت

گفتمان ایجابی (مثبت)	گفتمان سلبی (منفی)	نوع گفتمان مولفه
کسب فرصت و منافع	فقدان تهدید و خطر	امنیت
اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...	اولویت با نظامی گری نسبت به سایر ابعاد	وجه امنیت
ذهنی-درونی	عینی- بیرونی	نگرش
اطلاعات و بینش	قدرت و زور	ابزار
تکامل و توسعه	بقاء و ادامه حیات	هدف
نرم افزاری	سخت افزاری	نوع امنیت

رویکرد مدیریتی و راهبردی پیشگیری از جرم:

هدف از بررسی عملکرد نیروی انتظامی و به ویژه اصل پیشگیری از منظر مدیریت استراتژیک، درک این نکته است که رویکردهای پیشگیرانه در ناجا همان رویکرد راهبردی است که از طریق ماتریس چهارگانه (شامل ضعف ها و قوتها، تهدیدها و فرصت ها) به دست می آید. به عبارت دیگر با لحاظ کردن ماتریس چهارگانه در رویکرد پیشگیرانه، تمام اقدامات و ویژگیهایی که در حوزه خارجی به عنوان فرصت ها و در حوزه داخلی به عنوان قوت ها قلمداد می شود، مبتنی بر رویکردی پیشگیرانه بوده و به نوعی اتخاذ شیوه پیشگیرانه از جرم به جای مقابله با آن، در نتیجه رویکردی راهبردی است که از تناسب روابط درون سازمانی (ضعف و قوت) و برون سازمانی (تهدید و فرصت) به دست می آید. در واقع اگر نیروی انتظامی بخواهد در جامعه با روش پیشگیرانه با مسائل اجتماعی برخورد کند، در اصل به صورت راهبردی عمل کرده است.

مدیریت استراتژیک به سازمان این امکان را می دهد که به شیوه خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن به آینده خود، به صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه مدیریت باعث می شود که سازمان دارای ابتکار عمل باشد و بدین گونه سرنوشت خود را رقم زده و در گرو اتخاذ روش های پیشگیرانه در برخورد با جرایمی است که به طور دائم تحت تأثیر جریانهای اجتماعی متغیر بوده و چالش برانگیز است. پس می توان نتیجه گرفت که روش های پیشگیرانه، زمینه و امکان کنترل آینده را فراهم می کند.

اصل پیشگیری براساس رویکرد راهبردی بر محورهایی تأکید دارد که در نهایت منجر به تحقق سازمانی کارآمد و اثر بخش شده و سازمان را قادر می سازد تا بتوان آینده را تحت کنترل درآورده و چشم اندازی روشن



برای آن ترسیم کند. این محورها که معرف رویکرد راهبردی به مسئله پیشگیری است، شامل موارد زیر هستند: امنیت با محور اخلاقی، انتظامی مبتنی بر پیشگیری چند لایه و کنترل قبل از وقوع، مدیریت استراتژیک، نتیجه گرا، کنترل جامع، پیش بینی آینده سازمان، رفتار و فرهنگ درونی شده و غیره (علی نژاد، 1388: 176-177).

جدول 5- متغیرهای پلیسی در رویکرد پیشگیرانه

امنیت اخلاقی	امنیت
کنترل جامع	الگوی کنترل
فرهنگ و رفتار درونی شده	فرهنگ و رفتار
سیستم گرا	ساختار
مدیریت راهبردی	الگوی عمومی مدیریت و برنامه ریزی
اعمال موثر قانون	اعمال قانون
انتظام کارکردی، پیشگیری چند لایه و نظم و انتظام نهادینه	انتظام

استراتژیهای پیشگیری از جرم:

1. حفظ قلمرو

طبیعتاً مردم قلمروی را که احساس می کنند از آن خودشان است، حفاظت می کنند و نسبت به قلمرو دیگران احترام خاصی قایل هستند مرزهای مشخص مناطق شخصی عمومی با استفاده از عناصر فیزیکی همچون پرچین ها، سنگفرش ها پیاده روها و علائم به دست می آید. همه این موارد به اضافه حفاظت خوب از قلمرو راه هایی برای نمایش مالکیت هستند. شناسایی متجاوزان در چنین فضاهای مشخص شده ای آسان تر صورت می گیرد. عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن منطقه است که هم موجب نظارت ساکنان بر منطقه می شود و هم به طور نامحسوس با اخطار دادن به مجرمین مبنی بر اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند، مانع کار آنها می شوند. میزان وابستگی افراد به محیط درجات مختلفی دارد:

- بی تفاوتی نسبت به یک مکان

- تعلق به مکان

- دلبستگی به مکان

- یکی شدن با اهداف مکان

- حضور در مکان

- فداکاری برای مکان



2- نظارت طبیعی

طراحی فیزیکی ظرفیت ترقی فرصت های نظارت طبیعی با غیررسمی برای ساکنان و کارگزاران آن است. آنجل پیش بینی کرده است که سطوح بحرانی خاص از فعالیت خیابان ها و تراکم جمعیت مرتبط با جرم هستند. نظارت طبیعی یک مفهوم طراحی است که براساس آن مزاحمان را زیر نظر می گیرند. ایجاد نظارت طبیعی به ایجاد محیطی کمک می نماید که فرصت های زیادی برای رفتارهای نرمال مردم آنجا ایجاد می کند. فضاها می توانند به نحوی طراحی شوند که به آسانی مشاهده شوند/

بنابراین ترس از جرم در این فضاها بیشتر می شود. به طور خلاصه می توان گفت که نظارت طبیعی(به عنوان مثال فرصت نظارت توسط خود ساکنین از طریق پنجره ها)، نظارت رسمی(به عنوان مثال گشت های پلیس) و استراتژی های نظارت مکانیکی(به عنوان روشنایی خیابان ها) می تواند تأثیر مثبتی در کاهش جرم و ترس از ارتکاب جرم داشته باشد.

3. کنترل دسترسی طبیعی

کنترل دسترسی می تواند فقط استفاده کنندگان مجاز را تشویق به استفاده از فضا کند در حالی که آنهایی که قصد سوء استفاده از این فضاها را دارند ناامید کند. موقعیت عاقلانه ورودی ها، خروجی ها، نرده ها، نماها و روشنایی ها، پیاده روی مستقیم و ترافیک گردونه ای راههایی هستند که می توانند جرایم را کاهش دهند.

4. روشنایی

روشنایی کافی برای مردم ضروری است تا دیده شوند و پدیده ها راحت تر دیده شوند. از نقطه نظر امنیتی برای دید، روشنایی ها و چراغ هایی که به طور راهبردی مکان یابی می شوند، می تواند اثر ذاتی روی کاهش ترس از ارتکاب جرم داشته باشد. سطح اساس روشنایی باید امکان شناسایی چهره افراد را از فاصله حدود 10 متری برای هر فرد با دیدی معمولی را مهیا کند. روشنایی دو کار انجام می دهد نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می کند که واضح تر ببینند و دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می کند. زیرا رؤیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم هایی ناظر بر خیابان می شود. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می شود. این کمبوها از طریق روشنایی جبران می شود.

5. مدیریت و نگهداری

نگهداری بهتر از محیط علاوه بر افزایش قلمروگرایی در میان ساکنان، احساس تعلق به فضا را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچک ترین انحراف و خطایی در این محیط با واکنش روبرو خواهد شد. خانه ها و فضاهای خالی و بلانصدی به مانند یک آهن ربا در برابر جرم عمل می



کنند. این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره های شکسته رابطه ای تنگاتنگ دارد (مرصوصی و همکاران، 1393: 117-118)

مدیریت پیشگیری از جرم و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی دارای ابعاد سیاسی و حکومتی بوده و به شدت آمیخته با مقوله اساسی قدرت است و در مطالعات و بررسی های استراتژیک در ذیل امنیت ملی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می توان امنیت عمومی نیز قلمداد نمود که حوزه های امنیت جمعی و گروهی را می تواند پوشش دهد. در میان نظریه پردازان امور امنیتی، «ویو» امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف نموده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطرنشان می کند که جامعه، امنیتی هویتی اش را می طلبد. بر این اساس امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد نماید و غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی و سیاسی و قضایی تقسیم می شود. امنیت اجتماعی به عنوان پدیده ای اجتماعی که در یک جامعه از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی برخوردار است. به عنوان پدیده ای در مسیر تحولات بر سر راه توسعه یعنی وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرد، و در صورت عدم تحقق اهداف تهدید کننده ارزش ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است باید برای تأمین نیازهای گوناگون خود با محیط پیرامون خویش ارتباط برقرار کند. یکی از لوازم برقراری این ارتباط وجود امنیت در جامعه است. موضوع امنیت با پیشینه ای قابل تأمل یکی از مباحث مهم در مسائل مملکت داری و یکی از پیچیده ترین مسائل در مباحث علم سیاست و روابط بین المللی بوده است. امروزه به جرأت می توان گفت که شاید هیچ چیز به اندازه نبود امنیت برای افراد و جوامع آزاردهنده نبوده است. در واقع امنیت اجتماعی ضمن طرح موضوعهای عمیق اجتماعی انسان را در مرکز الگوهای اجتماعی قرار می دهد نه در حاشیه آن. در واقع جامعه در سایه آن بر قلمرو آزادی خود برای برز خلاقیت های بیشتر بیافزاید. در واقع از اهداف جامعه برقراری امنیت است و این امنیت در سایه پیشگیری از جرم و کاهش نرخ جرم در جامعه امکان پذیر است. پیشگیری از جرم و مدیریت دانش پیشگیری از جرم از مضامینی است که در راستای دستیابی به اهداف مطلوب در رابطه با پیشگیری و کاهش جرائم در طی پروسه پیش بینی، آمادگی، واکنش، پاکسازی و کنترل است (رحمت، 1390)



نتیجه گیری:

امروزه جرم و ترس از جرم در تمام جوامع به یک نگرانی فراگیر تبدیل شده است. نبود امنیت همواره بر این نگرانی ها افزون بوده است. در یک جامعه آنچه می توان بیش از همه چیز مورد خواست و توجه اقشار جامعه باشد، امنیت به ویژه از بعد اجتماعی است. امنیت اجتماعی به محافظت و پاسداری از احساس تعلقات و پیوندهای اجتماعی یا همان احساس «ما» نظر دارد که واحدهای اجتماعی را شکل می دهد. چنان که اگر پیوندها و تعلقات متقابل حفظ شود، اساس «مایی» پابرجا مانده و اعضا در کنار یکدیگر باقی مانده و حیات اجتماعی حفظ می شود. یکی از مباحثی که در این رابطه مورد بحث است پیشگیری از جرم در جامعه است که در کنار مسئله امنیت بیشتر نمایان می شود. اصولاً مدیریت پیشگیری از جرائم، دانشی علمی کاربردی است که هدف آن تنظیم و تدوین سیاست ها و خط مشی های علمی در رابطه با پیشگیری و کاهش جرائم از طریق مشاهدات، مراقبت ها و تجزیه و تحلیل سیستماتیک جرائم است. آنچه که در این مقاله مورد بحث قرار گرفت مطالعه استراتژیک پیشگیری از جرم در بستر امنیت اجتماعی می باشد. پیشگیری از جرم و تامین امنیت خود نیازمند تعیین استراتژی هایی است که می توان به حفظ قلمرو، کنترل دسترسی طبیعی، روشنایی و مدیریت و نگهداری می توان اشاره کرد که مورد بحث قرار گرفت. در نهایت می توان به این امر اشاره داشت که با کاهش جرائم و کمتر شدن بسترهای لازم برای جرم در سایه مدیریت دانش پیشگیری از جرائم می توان به امنیت اجتماعی رسید.



منابع:

- دفتر تحقیقاتی ناجا(1389)، حوزه مطالعات و تحقیقات کاربردی پیشگیری انتظامی از جرم در محیط ملی، گزارش پژوهشی شماره 1
- علی نژاد، م، 1388، رویکردهای نظری به مسئله پیشگیری از جرم(با تاکید بر رویکرد جامعه شناختی و مدیریت استراتژیک)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره یازدهم
- شیری، ع (1386)، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم نیروی انتظامی، دوره 2، شماره 2.
- مرصوصی، ن، صفرعلی زاده، الف، حسین زاده، ر، 1393، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرائم شهری(مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان)، دو فصلنامه پژوهش های بوم شناسی، سال پنجم، شماره 2، پیاپی 10.
- افراسیابی، ع، خالقی، الف، 1393، مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم
- نویدنیا، م، 1382، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول
- اسماعیل زاده، ی، اسماعیل زاده، ح، 1387، عوامل موثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، مجموع مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- شایگان، ف، 1389، رسانه و آموزش جرم(مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه جام جم سال 1388)، فصلنامه مطالعات اجتماعی رسانه و آموزش جرم،
- نویدنیا، م، 1388، امنیت اجتماعی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران